

تبیین جامعه شناختی عوامل موثر بر تعارض هویتی زنان شهر نقده

مینا معروف پور^۱، خدیجه سفیری^۲

چکیده

مقاله حاضر با هدف تبیین جامعه شناختی عوامل موثر بر تعارض هویتی زنان شهر نقده انجام شد. روش تحقیق پیمایش از نوع همبستگی و تحلیلی می باشد. جامعه آماری شامل زنان متأهل و شاغل ۱۸ تا ۴۵ سال شهر نقده در سال ۱۳۹۵ به تعداد ۳۰۶۲ نفر می باشد که به صورت تصادفی نسبتی و با استفاده از فرمول کوکران ۳۴۱ نفر مورد مطالعه قرار گرفتند. ابزار اندازه گیری پرسشنامه محقق ساخته بود. از مون همبستگی پیرسون و رگرسیون خطی نشان داد که مدرنیته و شاخصهای آن جامعه پذیری مدرن - عناصر هویتی مدرن - منابع فرهنگی و ساختار رفتار گروهی و همچنین جهانی شدن و شاخصهای آن امپراطوری رسانه ها و شیوه زندگی مدرن با تعارض هویتی زنان رابطه دارند. نتایج رگرسیون چندگانه و تحلیل مسیر نیز نشان داد که مجموع شاخص ها ۴۹ درصد تعارض هویتی زنان شهر نقده را تبیین می کنند که بیشترین سهم را شیوه زندگی مدرن با بتای $\beta = 0/541$ و امپراطوری رسانه ها با بتای $\beta = 0/44$ و پس از آن جامعه پذیری مدرن با بتای $\beta = 0/241$ و مولفه منابع فرهنگی با بتای $\beta = 0/128$ و دو مولفه عناصر هویتی مدرن با بتای $\beta = 0/096$ و ساختار ارتباط گروهی با بتای $\beta = 0/09$ کم اثرترین شاخصها در تبیین تعارض هویتی زنان بودند.

واژگان کلیدی: مدرنیته، جهانی شدن، تعارض فردی هویت، تعارض جمعی هویت، زنان

^۱دانشگاه آزاد اسلامی تهران مرکز m.marofpor65@yahoo.com

^۲استاد دانشگاه الزهرا m_safiri@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۱۱/۲۳

تاریخ ارسال: ۱۳۹۶/۱/۲۸

مقدمه

در جامعه امروزی عواملی چون جهانی شدن، صنعتی شدن، توسعه تکنولوژی، توسعه ارتباطات، گسترش اقتصاد، سرمایه‌داری و فراورده‌های فرهنگی آن، نه تنها زندگی مادی و اقتصادی مردم بلکه چارچوب‌های نمادین آنها را نیز دگرگون کرده؛ دانش‌ها، مهارت‌ها، باورها، ارزش‌ها و سنت‌ها، قواعد و آداب رسوم اخلاقی و مذهبی پیوسته مورد سوال و تردید قرار می‌گیرد. در چنین شرایطی افراد به هویت نیاز دارند. از طریق آن انسان‌ها می‌توانند نظمی نسبی در زندگی خود و دنیای اطرافشان ایجاد کنند. دسترسی انسان‌ها به طور اعم و زنان به طور اخص به هویت واقعی خود باعث تثبیت موقعیت آنان و رسیدن به اهدافشان می‌شوند (پیشگامی‌فرد، انصاری زاده، کرمی و پرهیز، ۱۳۸۹). فرد زمانی می‌تواند مدعی داشتن هویت باشد که تداوم خود اطمینان حاصل کند. این تداوم چیزی نیست مگر احساس ثبات شخصیت در طول زمان. هویت بر تداوم استوار است و هم در چارچوب زمان معنا پیدا می‌یابد، حتی اگر تداوم به معنای منطقی آن باشد (جنکینز^۱، ۱۹۹۶: ۲۷) و گر چه این تداوم زمانی هویت بخش واقعیت ندارد، ما آن را در قالب تاریخ می‌سازیم. انسان در زمان‌های مختلف هویت‌های متفاوت کسب می‌کند، اما چون از دگرگونی و بی‌ثباتی گریزان است، روایت تسلی بخش از خویش می‌سازد تا در قالب آن هویتی واحد را احساس کند (هال^۲، ۱۹۹۶: ۲۲۷). هویت به معنای چه کسی بودن پاسخی است به نیاز طبیعی انسان برای شناساندن خود به یک سلسله عناصر و پدیده‌های فرهنگی تاریخی و جغرافیایی (مجتهد زاده، ۱۳۸۱: ۶۶).

از سویی دیگر مفهوم دیگری که در این تحقیق به آن توجه می‌شود بحث تعارض است. تعارض جزء جدایی ناپذیر زندگی انسان است. گفته می‌شود وجود حدی از تعارض و تفاوت‌ها و تضادها امری طبیعی هست. خصوصاً در اجتماعات انسانی وجود افراد مختلف با ویژگی‌های شخصیتی، نیازها و باورها، انتظارات و ادراکات متفاوت بروز تعارضات اجتناب ناپذیر است. بنابراین طبیعی هست با ورود نظم جدید - مدرنیسم - به یک جامعه، تضادها و تعارض‌های با نظم قدیمی - سنت - ایجاد می‌گردد؛ چرا که نظم جدید برهم‌زننده یا تغییردهنده و جوهی از نظم قبلی است. تعارض بوجود آمده در چنین جامعه‌ای برمی‌گردد به تضاد بین دو نیرو که هر یک از

^۱ - Jenkins

^۲ - Hall



سویی فرد را به سمت خود می‌کشاند و فرد باید میان آنها دست به انتخاب بزند. این دو نیرو مجموعه‌ی عظیمی از انتخابهایی پیش روی فرد هستند. فرد مدام درباره کوچکترین تا بزرگترین مسائل زندگی در معرض انتخاب‌های متعدد است، در نتیجه فرد دچار نوعی سردرگمی، اضطراب و افسردگی، دلهره و ناسازگاری‌های خانوادگی، انتقام از جامعه، خودکشی تا پوچگرایی گرفته تا معضلات اجتماعی مثل اعمال خشونت... می‌شود.

امروزه در جوامع مختلف، شبکه‌های سایبری وضعیت جدیدی را برای کاربران فراهم کرده و مرزهای تازه‌ای را در شکل‌گیری خرده فرهنگ‌ها، ارزش‌ها و هویت جوانان پدید آورده‌اند. گمنامی، سرعت ارتباطات و سیال بودن شبکه‌ها، پیامدهای گسترده‌ای را برای الگوهای ارتباطی جوانان داشته است. ارتباطات در فضای سایبری ضمن آنکه روابط غیر وابسته به زمان و مکان را تقویت کرده به محملی برای جستجو و ارضای کنجکاوی‌های جوانان نیز تبدیل شده است (ذکایی، ۱۳۸۳: ۲-۳). در نتیجه بین آنچه که به عنوان هویت در آنها درونی شده بود و هویت‌های جدیدی که با توجه به شرایط جدید کسب می‌کنند، دارای تعارض می‌گردند. در کشورهای جهان سوم این تعارضات بیشتر است و علاوه بر تداوم آنها منجر به بروز بحران‌ها و شکاف‌های اجتماعی می‌شود. گاهی این شکاف‌ها غیرفعال و گاهی فعال هستند و البته در شرایطی شکاف‌های غیرفعال در آینده فعال می‌شوند و مانند شکاف طبقاتی و گاهی اوقات بر عکس شکاف‌های فعال تبدیل به غیرفعال می‌شوند؛ مانند شکاف‌های مذهبی در جوامع صنعتی. در حقیقت شکاف به آن ستیزه‌های گفته می‌شود که ریشه در بطن جامعه دارند و ساختاری هستند، در ایران خصوصاً شکاف‌های پدید آمده ناشی از مدرنیسم است و بحران خیزی جامعه ایران ناشی از تقابل سنت و مدرنیته است و بحران هویت ریشه در روند مدرنیزاسیون جامعه ایران از اوائل سلطنت قاجار دارد (صلاحی، تیمورپور، ناصری پور و فاضل فکور، ۱۳۸۴). در واقع سنت و مدرنیسم با همه بنیان‌های هنجاری و ارزشی که در دل خود دارند، حکم دو نیروی متعارض را دارند که هریک برای آدمی واجد جذابیت‌های می‌باشند. در نتیجه انسان امروزی در کشاکش دائمی انتخاب بین این دو نیروی متعارض است و این کشاکش تبعاتی به همراه دارد دامنه این تبعات از مسائل فردی مانند استرس و اضطراب، پوچگرایی گرفته تا معضلات اجتماعی مانند اعمال خشونت می‌تواند گسترده باشد (سفیری، ۱۳۹۲: ۳). تحولاتی که در دهه‌های اخیر در زمینه ارتباطات و تکنولوژی روی داده سبب دگرگونی در نقش‌های اجتماعی

و آگاهی زنان شده است. تبلیغات رسانه‌ها و منابع فرهنگی در کنار عناصر هویتی مدرن منجر به اعمال شیوه زندگی مدرن برای زنان شده در نتیجه با افزایش سطح تحصیلات، مشارکت، اشتغال و... زنان در کارهای درآمدزا از سویی سبب کاهش مطلوبیت الگوی زن سنتی می‌شود و از سویی دیگر دشواری در هماهنگ کردن نقش‌های سنتی و قدیمی با نقش‌های جدید می‌شود و می‌تواند به تعارض هویت زنان منتهی شود. در نگاه اول به نظر می‌رسد که این نقش جدید منجر به افزایش درآمد، بهبود وضع اقتصادی و افزایش عزت زن شاغل می‌شود، اما زمانی که زن نتواند بین انتظارات نقش‌های خویش تعادل برقرار نماید دچار نوعی تعارض کار/ خانواده می‌شود (آیکان^۱، ۲۰۰۵). در واقع؛ تعارضات هویتی موجب برهم خوردن نظم و امنیت اجتماعی می‌شود. در نتیجه با هجوم تکنولوژی و جهانی شدن و تسلط بی‌چون و چرای رسانه‌ها بر زندگی جوامع در کنار به جامعه‌پذیری مدرن افراد در جامعه منجر شده و در کل شیوه زندگی و سبک زندگی مردم بالاخص زنان تغییر می‌یابد.

با توجه به وضعیت ایران در عصر حاضر و مسائل متعددی که در رابطه با جامعه ایران در سطح داخلی و خارجی مطرح است. همچنین، از آنجا که کشور ما جامعه‌ای در حال گذار است و شاهد تغییرات وسیعی در سطوح مختلف اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و به ویژه تکنولوژیک است، تحلیل وضعیت تعارض در هویت فردی و اجتماعی به عنوان مسأله‌ای جدی حائز اهمیت فراوانی است (عبدالحسینی و حقیقتیان، ۱۳۹۴). در این میان؛ مقوله هویت زن نیز از جایگاه خاصی برخوردار است. پرداختن به موضوع هویت زنان جوان و نقش آنان در تمدن‌سازی، به علت اهمیت این مسأله در ایجاد جامعه‌ای با هویت ایرانی و نقش آنان به عنوان مادران تمدن‌ساز آینده می‌باشد. تمدن ارتباط مستقیمی با فرهنگ سالم و سازنده دارد. برای رسیدن به تمدن صحیح ایرانی، شناخت هویت زنان جوان بسیار ضروری به نظر می‌رسد. حساسیت مسأله هویت به این دلیل است که این مقوله به شدت تحت تاثیر تحولات اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و تکنولوژیک پیرامون خود قرار دارد و این میان مسأله هویت زنان نیز بیشترین سهم را در پذیرش این آثار دارا است (سفیری، ۱۳۹۲: ۴). با توجه به اینکه امروزه مسأله زنان نه صرفاً به عنوان مسأله جهانی بلکه به عنوان درگیری‌هایی بین سنت و مدرنیته در داخل ایران نیز بدل شده است؛ لذا برخورد سنت با مدرنیته طی دهه اخیر در برجسته کردن مسأله هویت فردی

^۱ - Aycan



و اجتماعی زنان و دختران و مشارکت سیاسی و اجتماعی آنان و ایفای نقش‌های اجتماعی مدرن و غیرسنتی بیشتر نمایان شده است (گیدنز^۱، ۱۳۷۸). در کنار دگرگونی‌ها و تحولات فرهنگی، دگرگونی‌های اقتصادی و مشارکت زنان در کارهای درآمدزا و ازدیاد فرصت‌های تحصیلی و آموزشی ملازم با آن موجب تعدد اجتماعات و گروه‌ها و روابط اجتماعی و تعلقات گروهی زنان شده و در نتیجه تعدد و تکثر منابع هویت‌سازی زنان را در پی داشته است. این فرایند تاثیر عمیقی هم بر نهادهای جامعه و هم بر آگاهی زنان گذارده و سبب کاهش مطلوبیت الگوی زن سنتی در خانواده پدر سالار به ویژه در میان زنان تحصیل کرده و شاغل می‌شود (ساروخانی و رفعت‌جاه، ۱۳۸۳). ساختار سنتی خانواده که عمدتاً مبتنی بر تفاوت‌های جنسیتی است در ده‌های اخیر در اثر فرایندهای جدایی‌ناپذیر و به هم بسته کار و آگاهی زنان زیر سوال رفته است. تحصیلات عالی و اشتغال زنان از سویی باعث کسب ارزش‌ها و نگرش‌ها و برداشت‌های جدید و از سویی سبب دشواری در هماهنگ کردن نقش‌های سنتی با نقش‌های جدید شده است و به تعارض هویت اجتماعی زنان منتهی می‌گردد (ساروخانی و رفعت‌جاه، ۱۳۸۳). اشتغال زنان ثمره چنین تغییراتی هست که با وظایف سنتی ایشان متفاوت بوده است (تبریزی و هوشنگی، ۱۳۹۲). زنان دوران پیشاصنعتی اکنون با شیوه‌ها و تغییرات جهان مدرن آشنا شده‌اند. حضور آنان در صحنه‌های اجتماعی، کاهش ساختار قدرتی خانوادگی (تصمیم‌گیری در امور) دسترسی زنان به اینترنت و شبکه‌های جهانی، حضور آنها در دانشگاه‌ها و... منجر به تعریف جدید از هویت آنان شده است. چالش‌های هویتی که پیگیری‌های خاصی از بحران‌های هویت که خود محصول تعارض‌های هویتی است را در پیش روی زنان قرار داده است. زنان در جامعه در حال گذار دارای تضاد نقش‌ها و انتظارات جامعه و خانواده و جهان هستند. از سویی خانواده والدین ریشه‌های سنتی را کماکان حفظ کرده‌اند و از سویی تغییرات موجود در جامعه ناشی از پدیده جهانی شدن انتظارات خاصی را می‌طلبد و زن امروزی در کشمکش میان این‌ها دچار تضاد نقش‌ها و انتظارات شده است (صلاحی و همکاران، ۱۳۸۴). در نتیجه توجه به شهرهای کوچکی مانند شهر نقده از توابع استان آذربایجان غربی که طی سال‌های اخیر شاهد بالا رفتن بی‌سابقه سطح تحصیلات و شغل زنان این شهر و عدم توانایی تعادل بین آداب و سنن گذشته و فرهنگ پدرسالارانه با طرز فکر و رفتار و انتظارات زنان تحصیل‌کرده و تاخیر در ازدواج و حتی

¹ - Giddens

طلاق زنان، شاهد تعارض در هویت‌یابی زنان این شهر در زندگی خصوصی و اجتماعی آنها هستیم؛ در نتیجه عمده‌ترین سوال تحقیق حاضر این است که شاخص‌های تعارض هویتی فردی و جمعی زنان شهر نقده کدامند؟

عوامل موثر بر تعارض هویتی زنان کدامند؟

بنابراین مقاله حاضر در صدد است تا تعارض هویتی زنان و عوامل موثر بر آن در شهر نقده را مورد بررسی قرار دهد چرا که زنان نیمی از جمعیت را تشکیل می‌دهند و حتی بنیان و تحکیم خانواده بر دوش زنان است و سلامت روحی و روانی خانواده و نظم و امنیت اجتماعی را به دنبال دارد.

ادبیات تحقیق:

تعارض یکی از جنبه‌های غیر قابل اجتناب زندگی مدرن است. شواهد و مدارک بسیاری نشان داده‌اند که ما اغلب در مدیریت و کنترل تعارضات و همچنین ابراز واکنش موثر نسبت به پدیده تغییر با شکست مواجه می‌شویم. میزان بالای طلاق، نمونه‌های ناامیدکننده‌ای از سوء استفاده‌های جنسی و فیزیکی از کودکان، شکست‌های پرهزینه حاصل از مخاطرات بین‌المللی و جنگ‌های خونین نژادی ما را متقاعد می‌کند که توانایی‌های لازم را جهت سازگاری در مواجهه با تعارضات پیچیده میان فردی، سازمانی و جهانی نداریم. دن تی جاسولد از دانشگاه سیمون فریزرکانادا چنین بیان می‌کند که "تغییر موجب پیدایش تعارض شده و تعارض تغییر را به وجود می‌آورد" (کینیکی^۱، ۱۳۸۴). برعکس تصور منفی که در زمینه تعارض وجود دارد، تعارض ضرورتاً امری منفی نیست، بلکه حد متوسطی از آن بتواند موجب بالا بردن سطح عملکرد شود. آنچه در زمینه تعارض اهمیت دارد، نحوه رویارویی و مواجهه با آن است علاوه بر این در حل تعارض، ابتدا باید به تجزیه و تحلیل آن پرداخت سپس از فنون مختلف که در این زمینه وجود دارد از قبیل مذاکره، میانجیگری و داوری و مانند آن برای حل تعارض استفاده کرد (جهان تیغ، ۱۳۹۰).

گیدنز معتقد است؛ هویت شخص چیزی نیست که در نتیجه تداوم کنش‌های اجتماعی به او تفویض شده باشد، بلکه چیزی است که فرد باید آن را به طور مداوم و روزمره ایجاد کند و در فعالیتهای بازتابی خویش مورد پشتیبانی قرار دهد. گیدنز معتقد است که «خود» انسان در

¹ - Kiniki



کنش متقابل با دیگران است که هویتش را ایجاد و در جریان زندگی آن را پیوسته تغییر می‌دهد. خود، مفهوم منفعلی نیست که تنها تحت تاثیر عوامل بیرونی شکل بگیرد؛ بلکه ناشی از تعامل درون و بیرون است. علاوه بر آن هویت تفویض نمی‌شود، بلکه باید به وسیله خود فرد ایجاد شود (گیدنز، ۱۳۸۷: ۳۲). گیدنز دوره مدرن را دوره‌ای می‌داند که با بازاریابی^۱ مشخص می‌شود. «در شرایط مدرنیته، واقعیت اجتماعی ضرورتاً یا به صورت اجتناب ناپذیری به امری تأملی تبدیل شده است» (اسمارت^۲، ۱۳۸۳: ۱۸۴).

به نظر تاجفل^۳ هویت فرد در تعامل با گروه شکل می‌گیرد؛ این تعامل در موقعیت‌های متفاوت و همچنین گروه‌های مختلف ابعاد گوناگونی به خود می‌گیرد، اما آنچه مسلم است؛ بحث هویت یابی فرد در شناخت موقعیت با توجه به عناصر شناختی، ارزشی و احساس معنا می‌یابد. موقعیت‌ها، تعیین‌کننده جدی هویت فرد نیستند، چرا که افراد از نظر تاجفل با آگاهی از پیامدهای احتمالی و تأثیرات کنش‌های ساختاری موقعیت، خود را وارد گروه یا موقعیت کرده، هویت خود را نشان می‌دهد (عبدالحسینی و حقیقتیان، ۱۳۹۴).

جنکینز معتقد است؛ هویت اجتماعی خصلت یا خصیصه همه انسان‌ها به عنوان موجوداتی است و از این لحاظ سرچشمه معنا تجربه برای مردم است و می‌توان بر این امر صحه گذاشته که هویت بر ساخته می‌شود. آنچه یک گروه انسانی را هویت میبخشد شباهتی است که باعث آنها از گروه‌های دیگر می‌شود. شباهت و تفاوت معنایی هستند که افراد آنها را می‌سازند. فرهنگ جوامع بشری فرایند تفاوت و شباهت را عینیت میبخشد (جنکینز، ۱۳۸۱).

اساس تئوری هویت پیتر بورک^۴ عبارت است از این که اضطراب‌های اجتماعی، ناشی از هویت‌های نامنظم و جداگانه‌ای است که تعارض آنها با یکدیگر استرس ایجاد می‌کند. به نظر وی افراد دارای هویتی ثابتی نیستند، بلکه با توجه به هر نقشی که در جامعه ایفا می‌کنند؛ هویت جدید می‌یابند. این هویت‌ها ممکن است گسسته یا شکسته و ناقص باشند و تا وقتی که تعارض این هویت‌های ناقص برطرف نشود؛ تعارض و اضطراب اجتماعی باقی میماند (بورک، ۱۹۹۷). آنچه در نظر بورک اهمیت دارد، فرایند سازگاری ورودی با معیار هویت می‌باشد که پیامد آن سازگاری رفتارهای اجتماعی متفاوت است.

^۱ - Reflexivity

^۲ - Smart

^۳ - Tajfel

^۴ - Peter Bruk

دورکیم^۱ در نظریه آنومی خود این مطلب را بیان میکند که دوره هایی در جامعه پدیدار میشوند که در آنها عامل وحدت بخش نخستین دچار خلل می شود، وضعیتی به وجود می آید که در آن از يك طرف پیچیدگی های جامعه پیش رفته و گروه های جدیدی پیدا شده است؛ انسجام سنتی به هم ریخته و از سوی دیگر نظام جدیدی استوار شده است. در این مرحله است که وضعیت بی هنجاری یا آنومی پدید می آید (آزاد ارمکی و مهری، ۱۳۷۷: ۸۳). اگر ارزش ها و هنجارهای اجتماعی نتوانند اقتداری آمرانه داشته باشند و مدیریت اخلاقی لازم را بر فرد اعمال کنند، فرد نمی تواند جهت رفتار خویش را تعیین کند؛ در این شرایط هنجارها و معیارهای اجتماعی پریشان شده یا اینکه با یکدیگر ناسازگار می شوند و فرد برای هماهنگ شدن با آنها دچار سردرگمی می شود؛ در نتیجه فرد در وضعیتی قرار میگیرد که به درون خویشتن خود پناه میبرد و بدینانه همه پیوندهای اجتماعی را نفی میکند. در چنین شرایطی است که بحران هویت مفهوم پیدا میکند. بحران هویت در پی بی هویتی به وجود می آید. در واقع دور شدن از هویت های موجود و نیافتن هویت مطلوب افراد را سردرگم و بلا تکلیف میکند که خود زمینه مساعدی را برای رشد آسیب های اجتماعی و تعارض هویتی فراهم می سازد (سفیری، ۱۳۹۲: ۲۱).

از منظر گیدنز، مدرنیته، پدیده های به گونه ذاتی، جهانی است و این امر در برخی از بنیادی ترین ویژگی های نهادهای مدرن به ویژه از جا کنده و بازاندیشی نهادها، آشکار است (گیدنز، ۱۳۷۷: ۷۶). فرایند جهانی شدن، این امکان را فراهم می سازد تا انسانها از سلطه مرزهای مکانی رهایی یابند و در گستره بسیار پهناور فضا و زمان با یکدیگر رابطه برقرار کنند (پیشگامی فرد و همکاران، ۱۳۸۹). انقلاب ارتباطاتی و اطلاعاتی هزاره سوم بسیار فراتر از صرفاً الکترونیکی کردن رابطه انسان ها است. تکنولوژی نوین ارتباطی و اطلاعاتی با فراهم آوردن امکان پیدایی جامعه شبکه ای، نه تنها به افراد و جوامع در قالب هایی تازه هویت هایی تازه بخشیده، بلکه رفتار ما را نسبت به خود، دیگران و جهان تغییر داده است (اولسون^۲، ۱۳۷۷: ۵). در نتیجه مهمترین شاخص های فرهنگی جهانی شدن شامل امپراطوری رسانه ها و همچنین شیوه زندگی مدرن می باشد. نقش موثر رسانه های جمعی در زندگی اجتماعی و تاثیر نافذ آن در شکل

¹ - Durkheim

² - Olsen



بخشی به هویت باعث شده تفاوت‌های از بیش موجود بین هویت و شیوه‌های نگرش و شیوه‌های رفتاری، در پرتو تازه‌ای نگریسته شود. افراد هنگام استفاده از رسانه‌های ارتباطی وارد اشکال تعاملی می‌شوند که از جنبه‌های خاص با نوع تعامل رودرو تفاوت دارد (تامپسون^۱، ۱۳۸۰: ۹).

کاستلز معتقد است با گسترش فناوری اطلاعات و ارتباطات فرهنگ دگرگون گشته، در نتیجه فرهنگ‌های نوینی در حال ظهور است (نیازی، ۱۳۹۰: ۱۹۲). به اعتقاد کاستلز شبکه اینترنت ستون فقرات ارتباطات جهانی از دهه ۱۹۹۰ به بعد است، چرا که به تدریج بیشتر شبکه‌های اجتماعی را به یکدیگر پیوند خواهد داد. مسأله بدین جا ختم نشده؛ بلکه انتشار اینترنت و شبکه‌های ارتباطی کامپیوتری به تدریج فرهنگ کاربران شبکه و حتی الگوهای ارتباطی آینده را نیز شکل می‌دهد. از نظر کاستلز جامعه شبکه‌ای که محصول اصلی اینترنت است بر ساخته شدن هویت افراد مؤثر خواهد افتاد (تاجیک اسماعیلی و محراب بیگی، ۱۳۹۳).

از نظر هابرماس^۲ در عرصه فرهنگی نوعی همسانی ایجاد شده و فرهنگ آمریکایی نه تنها خود را بر سرزمین‌های دور تحمیل می‌کند، بلکه حتی در غرب نیز معنادارترین تفاوت‌ها را کمرنگ و ریشه دارترین سنت‌های محلی را سست بیان کرده است (نوابخش، ۱۳۸۹: ۴۹).

از نظریه‌گیدنز اینگونه استنباط می‌شود که امروزه افراد با مدیریت کردن برنامه‌های خود حول رژیم غذایی، ورزش کردن، مراقبت‌های آرایشی و بهداشتی و... سعی در متمایز کردن خود از دیگران توسط سبک و حالات بدنشان را دارند. در واقع، یکی از کارکردهای مدیریت بدن به عنوان یکی از مؤلفه‌های سبک زندگی، هویت بخشی و ایجاد تمایز بین افراد است (ادیبی‌سده و جلالی آکردی، ۱۳۹۲). سبک‌های زندگی از نظر گیدنز کردارهایی هستند که به جریان‌های عادی زندگی روزمره تبدیل شده‌اند، جریان‌هایی که در لباس پوشیدن، غذا خوردن، شیوه‌های کنش و محیط دلخواه برای ملاقات کردن دیگران جلوه می‌کنند. چنین رفتارهایی بازتاب دهنده هویت‌های شخصی و جمعی اند (فاضلی؛ به نقل از ذوالفقاری و سلطانی، ۱۳۹۰: ۳۰) و هر چه نفوذ و کشش سنت کمتر شود و هر چه زندگی روزمره بیشتر بر حسب تأثیرات متقابل عوامل محلی و جهانی بازسازی شود، افراد بیشتر ناچار می‌شوند که شیوه زندگی خود را از میان گزینه‌های مختلف انتخاب کنند. با این وصف به دلیل باز بودن زندگی اجتماعی امروزی و

^۱ - Tompson

^۲ - Habermas

همچنین به علت تکثریابی زمینه‌های عمل و تنوع «مراجع»، انتخاب شیوه زندگی بیش از پیش در ساخت هویت شخصی و فعالیت روزمره اهمیت پیدا می‌کند (گیدنز، ۱۳۸۸: ۲۱).

در تحقیقات نیکخواه قمصری و منصوریان راوندی (۱۳۹۳) یافته‌ها حاکی از آن بود که سابقه و مدت زمان استفاده هفتگی از اینترنت در تقویت و ضعف هویت جنسیتی مؤثر بوده است. بدین نحو که هر چه میزان و سابقه استفاده از اینترنت از سوی کاربران افزایش پیدا می‌کند، هویت جنسیتی قوی تر می‌شود.

نتایج تحقیق ربیعی (۱۳۸۷) نشان داد که رسانه‌های نوین، عامل تغییرات در نهادهای هویت ساز شده‌اند و فضای مجازی عوامل معناساز هویتی را دستخوش تغییر نموده است و جامعه ایران بحران‌های هویتی دوره پسا صنعتی و فضای مجازی را به تجربه می‌کند.

ساروخانی و رفعت جاه (۱۳۸۳) دریافتند؛ شاهد ایجاد شکل جدیدی از هویت انسانی در دوران مدرنیسم هستند که هر یک دلایل ایجاد این تغییر هویت را در مجموعه عوامل خاص خویش می‌بینند.

آندری لابس^۱ (۲۰۱۴) نشان داد تحولات کنونی جوامع با افزایش ارتباطات تعیین گردیده و تأکید بیشتر بر هویت دارند. در واقع هویت فرهنگی پایاپای جهانی شدن جوامع را به سوی تحولات و تغییرات مثبت سوق می‌دهد. همچنین سرویدیو^۲ (۲۰۱۴) این نتیجه رسید که اعتیاد به اینترنت باعث اخلال در رفتار افراد شده است.

نتایج پژوهش چن^۳ (۲۰۱۲) نشان دهنده آن بود که با توسعه رسانه‌ها و شیوه‌های ارتباطی نوین مردم به طور چشمگیری متحول شده و روابط، سازگاری و مداخلات درون فرهنگی نیز دستخوش تغییر گردیده‌اند. در تحقیق مشابه دیگری باون^۴ (۲۰۱۲) دریافت؛ میزان مصرف پوشاک راهی برای نشان دادن هویت غیر انحصاری در نظر گرفته می‌شود.

کاستلز (۱۳۸۰) دریافت؛ همگنی هویت فرهنگی پاسخگویان با جهانی شدن، ارتباط نزدیکی داشته و می‌تواند تهدید در تغییر سطح هویت فرهنگی آنان به شمار روند.

چهارچوب نظری

در تحقیق حاضر تئوری آنتونی گیدنز و تاجفل و بورک برای تعارض فردی و جمعی هویت به عنوان به مبنای نظری و مفهومی در نظر گرفته شده است. همچنین نظریه گیدنز برای

¹ - Andrei Labes

2- Servidio

3- Chen

4- Bavone



نقش مدرنیته و شاخص‌های آن شامل منابع فرهنگی - جامعه‌پذیری مدرن - عناصر هویتی مدرن و ساختار ارتباط گروهی مبنای نظری قرار گرفت. همینطور نظریه نقش جهانی شدن گیدنز و کاستلز تحت عنوان امپراطوری رسانه‌های کاستلز و سبک زندگی مدرن گیدنز به عنوان شیوه زندگی مدرن مبنای نظری تحقیق حاضر قرار گرفته است.

از نظر گیدنز هویت انسان در کنش متقابل با دیگران ایجاد می‌گردد و در جریان زندگی پیوسته تغییر می‌کند. هیچ کس هویت ثابتی ندارد. هویت، سیال و همواره در حال ایجاد شدن و عوض شدن است. از سویی دیگر، به دلیل پویایی جوامع امروزی، حق انتخاب و تنوع انتخاب افراد بیشتر است و همچنین تنوع مراجع در ساخت هویت شخصی افراد خیلی موثر است. بازتابندگی خود در جوامع امروزی آن قدر زیاد است که حتی جسم افراد تحت تاثیر بازتابندگی خود است. مضافاً اینکه با توسعه ارتباط‌های جمعی و ارتباط‌های الکترونیکی تداخل توسعه هویت شخصی و نظام‌های اجتماعی تاحد موازین و معیارهای جهانی و عام بیش از پیش محسوس شده است. در عصر جدید که دوران پس از نظام‌های سنتی است، هویت شخصی به طور بازتابی به وجود می‌آید. در زندگی اجتماعی امروزی، مفهوم شیوه زندگی معنای خاصی به خود می‌گیرد. هر چه نفوذ و کشش سنت کمتر می‌شود، هر چه زندگی روزمره بیشتر بر حسب تاثیرات متقابل عوامل محلی و جهانی بازسازی می‌شود، افراد بیشتر ناچار می‌شوند شیوه زندگی خود را از میان گزینه‌های مختلف انتخاب کنند.

گیدنز معتقد است، هویت فردی (شخصی) را باید خلق نمود و تقریباً به طور مداوم آن را با توجه به تجربیات متناقض زندگی روزمره و گرایش تطبیع‌کننده نهادهای امروزی مورد تنظیم و تجربه قرار داد. در این مدل، افراد دارای یک هسته اولیه خود می‌باشند که از سه عامل اعتماد بنیادین، ویژگی‌های فردی و جامعه‌پذیری تشکیل شده است. قسمت اعتماد بنیادین خود از طریق عادی شدن تماسها، توانایی عقلانی کردن امور و تفسیر موفقیت آمیز فرد از کنش خود بر تعداد کنش‌های موفق فرد و انگیزه برای کنش بعدی و نتیجتاً بر هویت اجتماعی فرد تاثیر گذار است. ویژگی‌های فردی که خود شامل ویژگی‌های ظاهری، ویژگی روانی و میزان اعتماد به نفس است، از طریق تفسیر موفقیت آمیز دیگران از کنش و توانایی ایفای نقش‌های گوناگون باعث ایجاد خودهای متعدد و انگیزه برای کنش بعدی می‌شود که نهایتاً بر هویت اجتماعی فرد تاثیر می‌گذارد. قسمت سوم نیز جامعه‌پذیری است که خود به دو قسمت سنتی و مدرن تقسیم می‌شود.

در جامعه‌پذیری سنتی افراد حق انتخاب نداشته و از مراجع محدودی پیروی می‌کنند و دارای یک هویت انتسابی می‌باشند. جامعه‌پذیری مدرن باعث کثرت محیط اجتماعی از یک طرف و تنوع مراجع از طرف دیگر می‌شود که این دو باعث ایفای نقش‌های متعدد، ایجاد خودهای متعدد و ایجاد حق انتخاب برای فرد و رفتار مطابق با محیط‌های گوناگون می‌شوند. به نظر وی، این سه عامل به صورت هم عرض بر میزان انگیزه برای کنش بعدی فرد موثر بوده و در نتیجه هویت اجتماعی فرد را تحت تاثیر قرار می‌دهند. بعضی‌ها قابل انعطافند در حالی که بعضی دیگر بسته تر و سخت تر هستند و هنوز هم یک سری محدودیت و فشارهایی را بر آنچه که افراد در کنش متقابل چهره به چهره انجام می‌دهند، تحمیل می‌کنند.

اندیشه عمده درباره هویت اجتماعی توسط تاجفیل و همکارانش مطرح شد. تاجفیل دریافت که صرف دسته بندی اجتماعی افراد در دو گروه مجزا، می‌تواند منجر به گونه‌ای رفتار بین گروهی شود که افراد به نفع اعضای گروه خود و به ضرر افراد بیرون از گروه عمل کنند. در واقع، این موضوع را آشکار ساخت که صرف آگاهی از بودن در یک گروه در مقابل گروه دیگر، تحت شرایط خاص، برای به راه افتادن فرایندهای رقابت و تبعیض بین گروهی کافی است. به عبارت دیگر، هویت اجتماعی به عنوان جنبه‌ای از خود انگاره شخصی، مبنی بر عضویت‌های گروهی مفهوم سازی شده است. پیتر بورک یکی از نظریه پردازان کنش متقابل گرایی است که بطور جدی به بررسی هویت اجتماعی پرداخته است. اساس تئوری هویت پیتر بورک عبارت است از این اضطراب‌های اجتماعی، ناشی از هویت‌های نامنظم و جداگانه‌ای است که تعارض آنها با یکدیگر استرس ایجاد می‌کند. به نظر پیتر بورک افراد دارای هویتی ثابتی نیستند، بلکه با توجه به هر نقشی که در جامعه ایفا می‌کنند هویت جدید می‌یابند. این هویت‌ها ممکن است گسسته یا شکسته و ناقص باشند و تا وقتی که تعارض این هویت‌های ناقص برطرف نشود تعارض و اضطراب اجتماعی باقی میماند. بورک اضطراب‌های اجتماعی ناشی از تعارض هویت‌ها را مطرح می‌کند و بر آن است که افراد با توجه به نقش‌های مختلف، دارای هویت‌های جداگانه می‌شوند. بورک هویت را یک مجموعه معنی که در تعریف یک نقش و یا موقعیت اجتماعی از اینکه شخص کیست به کار برده می‌شود می‌داند. می‌توان گفت که منابع محیطی و نمادها در محیط اجتماعی واقع شده و با توجه به درونداها در تعاملی که بین خود (ذهن فرد) و جامعه (محیط اجتماعی) صورت می‌گیرد، برونداد اولیه صورت می‌گیرد و در مقایسه با معیارهای



ذهنی دیگران است که برون داد نهایی که همان رفتار اجتماعی فرد می‌باشد واقع می‌گردد و وارد محیط اجتماعی می‌شود و این محیط اجتماعی منبعی برای ادراک کنش‌گران دیگر می‌گردد و با توجه به اینکه منابع محیطی و نمادها با معیارهای ذهنی خود از هویت مقایسه می‌گردد، در ادراک از منابع محیطی، یک سیستم معانی مشترک در بین کنشگران واقع می‌شود، که موجب می‌شود فرد رفتار خود را (رفتار فردی) با این سیستم معانی مقایسه نموده و در نهایت به شکل رفتار اجتماعی بروز نماید که می‌تواند رفتار اجتماعی سرمنشا مشارکت خود در محیط اجتماعی گردد. در نهایت، طبق تئوری بورک، افراد دارای هویت ثابتی نیستند، بلکه با توجه به هر نقشی که در جامعه ایفا می‌کنند هویت جدید می‌یابند. این هویت‌ها ممکن است گسسته یا شکسته و ناقص باشند و تا وقتی که تعارض این هویت‌های ناقص برطرف نشود تعارض و اضطراب اجتماعی باقی می‌ماند.

فرضیه‌های تحقیق:

- ۱- جهانی شدن با تعارض هویتی زنان شهرستان نقده رابطه معنادار دارد.
- ۲- مدرنیته با تعارض هویتی زنان شهرستان نقده رابطه معنادار دارد.

معرفی متغیرهای تحقیق:

متغیرهای مستقل: ۱- مدرنیته شامل: منابع فرهنگی - جامعه‌پذیری مدرن - عناصر هویتی مدرن
مدرن - ساختار ارتباط گروهی ۲- جهانی شدن شامل: امپراطوری رسانه‌ها و شیوه زندگی مدرن.

متغیر وابسته: تعارض هویتی زنان در ابعاد فردی و جمعی.



روش پژوهش:

تحقیق حاضر از نظر هدف کاربردی و از نظر ماهیت و شیوه جمع آوری اطلاعات از نوع همبستگی و تحلیلی است. جامعه آماری شامل زنان متأهل و شاغل ۱۸ تا ۴۵ سال شهر نقده در سال ۱۳۹۵ به تعداد ۳۰۶۲ نفر می‌باشد که با استفاده از فرمول کوکران و روش تصادفی نسبتی از بین مناطق شمال-جنوب-شرق-غرب و مرکز شهر ۳۴۱ نفر انتخاب شدند. با توجه به اینکه تعداد زنان ساکن در مناطق ۵ گانه به تعداد مساوی نمی‌باشد؛ لذا با نسبت گرفتن تعداد آنها در هر یک از مناطق؛ نمونه هر منطقه مشخص شد و در ادامه برای هر منطقه به صورت تصادفی سیستماتیک از زنان تحقیق به عمل آمد. ابزار اندازه گیری به صورت محقق ساخته طراحی شد. این پرسشنامه شامل ۴۵ گویه در مقیاس ۵ گزینه ای طیف لیکرت برای تعارض هویتی زنان و ۵۰ گویه برای عوامل موثر بر آن می‌باشد که گویه‌ها و شاخصهای هر متغیر طبق اطلاعات جداول (۱) و (۲) و (۳) طراحی شد. روایی سؤالات مربوط به متغیرها در این پژوهش، ابتدا از طریق روش تعیین اعتبار محتوایی و با راهنمایی‌ها و نظرات اساتید مجرب انجام گرفت. سپس با استفاده از تحلیل عاملی نظرات آن‌ها؛ اعتبار سازه ای انجام و مورد تایید قرار گرفت. برای تعیین پایایی پرسشنامه تحقیق حاضر، از شاخص آلفای کرونباخ استفاده شد. ابتدا پرسشنامه‌ها در بین ۳۰ نفر از نمونه آماری به طور تصادفی توزیع گردید، سپس اطلاعات جمع‌آوری شده مورد آزمون قرار گرفته و با استفاده از نرم افزار SPSS ورژن ۲۱ ضریب آلفای کرونباخ برای تک تک متغیرها و شاخصهای آنها بالای ۰/۷ بدست آمد. در نتیجه پرسشنامه دارای روایی و پایایی قابل قبولی بوده و تحلیل‌ها از طریق آزمون‌های ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون خطی و رگرسیون چندگانه و تحلیل مسیر جهت تبیین اثرات شاخصها استفاده گردید.

معرفی متغیرهای تحقیق:

متغیرهای مستقل: ۱- مدرنیته شامل: منابع فرهنگی - جامعه‌پذیری مدرن- عناصر هویتی مدرن- ساختار ارتباط گروهی ۲- جهانی شدن شامل: امپراطوری رسانه‌ها و شیوه زندگی مدرن.

متغیر وابسته: تعارض هویتی زنان در ابعاد فردی و جمعی.



تعاریف مفهومی و عملیاتی متغیرها:

تعریف متغیر وابسته تعارض هویتی زنان

تعارض هویتی چالشی که فرد در برآوردن ابعاد گوناگون تشکیل دهنده هویت خویش با آن مواجه است و ممکن است از تعدد یا تفاوت این ابعاد ناشی شده باشد (تبریزی و هوشنگی، ۱۳۹۲). در این تحقیق تعارض هویتی زنان شامل تعارض فردی در ۲۱ گویه و تعارض جمعی در ۲۴ گویه می‌باشد.

تعریف تعارض فردی

این نوع تعارض در درون فرد اتفاق می‌افتد و زمانی رخ می‌دهد که فرد در جهت رسیدن به اهداف به مانعی برخورد کند (به نقل از رضائیان، ۱۳۸۲). در این تحقیق تعارض فردی هویت شامل چهار شاخص ویژگی‌های ظاهری - ویژگی‌های روانی - اعتماد به نفس و استقلال در ۲۱ گویه (مطابق جدول ۱) می‌باشد.

تعریف تعارض جمعی

تعارض جمعی بین دو یا چند فرد رخ می‌دهد که دارای ارزش‌ها، آرزوها، سبک‌های ارتباطی و دیدگاه‌های متفاوت هستند. از جمله نشانه‌های تعارضات بین افراد، صحبت نکردن همکاران با یکدیگر و اعتنا نکردن به یکدیگر، بدگویی یکدیگر، رد کردن و آگاهانه به تضعیف یکدیگر پرداختن است (به نقل از رضائیان، ۱۳۸۲). در این تحقیق تعارض جمعی هویت شامل سه شاخص خانوادگی - آگاهی جنسی - ارزش‌های خانوادگی در ۲۴ گویه (مطابق جدول ۱) می‌باشد.

تعریف متغیر مستقل جهانی شدن

هولمز و هوگ و جولین تعریفی از مشخصات کلیدی جهانی شدن ارائه کرده‌اند: جهانی شدن مفهوم پیچیده‌ای از فرایندهای سیاسی، فرهنگی، اجتماعی است که مرزهای ملی را در می‌نوردد و سطح ارتباطات جهانی را افزایش می‌دهد و فضای اجتماعی منحصر به فردی را ایجاد می‌کند (به نقل از وست و هیت^۱، ۲۰۱۱). در این تحقیق؛ جهانی شدن دارای دو شاخص امپراطوری رسانه‌ها و شیوه زندگی مدرن در ۲۴ گویه (مطابق جدول ۱) می‌باشد.

¹ - West & Heath

تعریف متغیر مستقل مدرنیته

گیدنز مدرنیته را شیوه‌های زندگی یا سازمان اجتماعی خاصی میداند که از سده هجدهم میلادی در اروپا شکل گرفت و نفوذ آن بتدریج جهانی شد (گیدنز، ۱۳۷۷: ۴). از نظر او مدرنیته به طور اساسی از گذشته گسسته و بریده است؛ بدین معنا که نهادهای اجتماعی مدرن، از برخی جهات ویژگی‌های بی‌همتایی دارند که آنها از سامان‌های سنتی متمایز می‌کند (همان: ۶). به نظر وی، رواج اندیشه تکامل‌گرایی اجتماعی مانع تشخیص کامل این گسست شده است از این رو تحلیل درست مدرنیته را مستلزم «ساخت شکنی یا از اعتبار انداختن روایت تکاملی میداند (همان: ۸). در این تحقیق؛ مدرنیته شامل چهار شاخص منابع فرهنگی - جامعه‌پذیری مدرن - عناصر هویتی مدرن و ساختار ارتباط گروهی در ۱۹ گویه (مطابق جدول ۱) می‌باشد.

جدول (۱): تعریف عملیاتی (تعارضات هویت فردی - جمعی)

متغیر	بعد	معرف	سطح سنجش
تعارض هویتی	فردی	میزان تعارضی که در بعد هویت فردی زنان بوده نشأت گرفته از تعارض هویتی سنتی یا مدرن است.	فاصله‌ای
	۲۱ گویه		
زنان	جمعی	میزان تعارضی که در بعد هویت جمعی زنان بوده و نشأت گرفته از تعارض هویتی سنتی یا مدرن است.	فاصله‌ای
	۲۴ گویه		

جدول (۲): تعریف عملیاتی (متغیر مستقل جهانی شدن)

متغیر	مفهوم (شاخص)	معرف	سطح سنجش	تعداد گویه
جهانی شدن	امپراطوری رسانه‌ها	میزان استفاده از رسانه‌های داخلی و خارجی و شبکه‌های اجتماعی	فاصله‌ای	۱۴
	شیوه زندگی مدرن	میزان کاربرد سبک زندگی مدرن نظیر شیوه رفتار و برخورد در جامعه با بهره‌گیری از تبلیغات رسانه‌ها	فاصله‌ای	۱۰

جدول (۳): تعریف عملیاتی (متغیر مستقل مدرنیته و شاخص‌های آن)

متغیر	مفهوم (شاخص)	معرف	سطح سنجش	تعداد گویه
مدرنیته	منابع فرهنگی	میزان تطابق زنان با مدرنیته و فعالیت در نقش‌های جدید	فاصله‌ای	۵
	جامعه‌پذیری مدرن	میزان جامعه‌پذیری فرد در جامعه مدرنیته و تعامل با دیگران در جامعه	فاصله‌ای	۸
	عناصر هویتی مدرن	عناصر هویتی که نشأت گرفته از مدرنیته بوده و زنان در خود نهادینه نموده‌اند.	فاصله‌ای	۳
	ساختار ارتباط گروهی	میزان ارتباط فرد با دیگران در پی تغییر شیوه زندگی مدرنیته	فاصله‌ای	۳



یافته‌ها:

ویژگی‌های فردی زنان مورد مطالعه:

در بررسی حاضر از بین ۳۴۱ نفر زنان پاسخگوی مورد مطالعه مطابق جدول (۴) ملاحظه می‌گردد سن ۱۵۸ نفر (۴۷/۲٪) تا ۳۰ سال، ۱۴۳ نفر (۴۲/۷٪) بین ۳۱ تا ۴۰ سال و ۳۴ نفر (۱۰/۱٪) بین ۴۱ تا ۵۰ سال می‌باشد.

جدول شماره (۴) توزیع فراوانی سن زنان پاسخگو

متغیر	گزینه‌ها	تعداد	درصد	درصد معتبر
سن زنان	تا ۳۰ سال	۱۵۸	۴۶/۳	۴۷/۲
	۳۱-۴۰ سال	۱۴۳	۴۱/۹	۴۲/۷
	۴۰-۵۰ سال	۳۴	۱۰	۱۰/۱
	جمع	۳۳۵	۹۸/۲	۱۰۰
	بی‌پاسخ	۶	۱/۸	
	جمع کل	۳۴۱	۱۰۰	

طبق اطلاعات جدول (۵) ملاحظه می‌گردد میزان تحصیلات ۱۴ نفر (۴/۶٪) از پاسخگویان دیپلم، ۳۲ نفر (۱۰/۴٪) فوق دیپلم، ۱۵۹ نفر (۵۱/۸٪) لیسانس، ۷۴ نفر (۲۴/۱٪) فوق لیسانس و ۸ نفر (۲/۶٪) نیز دکتری و بالاتر می‌باشد و ۲۰ نفر (۶/۵٪) نیز دانشجو می‌باشند.

جدول شماره (۵) توزیع فراوانی میزان تحصیلات زنان پاسخگو

متغیر	گزینه‌ها	تعداد	درصد	درصد معتبر
میزان تحصیلات زنان	دیپلم	۱۴	۴/۱	۴/۶
	فوق دیپلم	۳۲	۹/۴	۱۰/۴
	لیسانس	۱۵۹	۴۶/۶	۵۱/۸
	فوق لیسانس	۷۴	۲۱/۷	۲۴/۱
	دکتری و بالاتر	۸	۲/۳	۲/۶
	دانشجو	۲۰	۵/۹	۶/۵
	جمع	۳۰۷	۹۰	۱۰۰
	بی‌پاسخ	۳۴	۱۰	
	جمع کل	۳۴۱	۱۰۰	

مطابق جدول (۶) ملاحظه می‌گردد ۷۶ نفر (۲۴/۸٪) از کارکنان کارمند، ۱۳۲ نفر (۴۳/۱٪) فرهنگی، ۹ نفر (۲/۹٪) مدیر، ۲۲ نفر (۷/۲٪) پرستار، ۱ نفر (۰/۳٪) نظامی و نیز ۶۶ نفر (۲۱/۶٪) دارای شغل آزاد می‌باشند.

جدول شماره (۶) توزیع فراوانی وضعیت شغلی زنان پاسخگو

متغیر	گزینه‌ها	تعداد	درصد	درصد معتبر
وضعیت شغلی زنان	کارمند	۷۶	۲۲/۳	۲۴/۸
	فرهنگی	۱۳۲	۳۸/۷	۴۳/۲
	مدیر	۹	۲/۶	۲/۹
	پرستار	۲۲	۵/۸	۷/۲
	نظامی	۱	۰/۳	۰/۳
	آزاد	۶۶	۲۰	۲۱/۶
	جمع	۳۰۶	۸۹/۷	۱۰۰
	بی پاسخ	۳۵	۱۰/۳	
	جمع کل	۳۴۱	۱۰۰	

میزان تعارض در هویت فردی و هویت جمعی زنان شهرستان نقده متفاوت است. مطابق جدول (۸) و بر اساس آزمون t همبسته انجام شده برای مقایسه میزان تعارض فردی و جمعی زنان؛ سطح معنی داری آزمون $P = ۰/۰۰۰$ و زیر $۰/۰۵$ و مقدار $۱۰/۰۱ = t$ می‌باشد در نتیجه فرض H_0 رد و فرضیه تحقیق قبول می‌شود و بین تعارض در هویت فردی و هویت جمعی زنان شهرستان نقده تفاوت وجود دارد. همچنین اطلاعات جدول (۷) نشان می‌دهد که میزان تعارض در هویت فردی زنان با میانگین $۶۲/۹۹$ بیشتر از تعارض در هویت جمعی آنان با میانگین $۵۸/۲۱$ می‌باشد.

جدول شماره (۷) شاخص‌های آماری متغیرهای تعارض در هویت فردی و هویت جمعی زنان

گروه پاسخگو	تعارض در هویت	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد
زنان	فردی	۳۴۱	۶۲/۹۹	۸/۴۲
	جمعی	۳۴۱	۵۸/۲۱	۱۰/۰۹



جدول (۸) نتایج آزمون مقایسه میانگین‌ها برای متغیرهای تعارض در هویت فردی و هویت جمعی زنان

p	df	T	تفاوت واریانسها		تعارض در هویت	گروه پاسخگو
			انحراف استاندارد	میانگین		
۰/۰۰۰	۳۴۰	۱۰/۰۱	۸/۸	۴/۷۷	فردی - جمعی	زنان

فرضیه ۱: جهانی شدن تعارض هویتی زنان شهرستان نقده رابطه معنادار دارد.

جدول (۹) جدول همبستگی و رگرسیون خطی جهانی شدن با تعارض هویتی زنان

P	R ²	R	متغیرها
۰/۰۰۰	۰/۴۲	۰/۶۴	جهانی شدن و تعارض هویتی زنان
۰/۰۰۰	۰/۲۸	۰/۵۲	امپراطوری رسانه‌ها و تعارض هویتی زنان
۰/۰۰۰	۰/۴۳	۰/۶۵	شیوه زندگی مدرن و تعارض هویتی زنان

بر اساس اطلاعات جدول (۹) و ضریب همبستگی پیرسون؛ سطح معنی داری آزمون در همه متغیرها کمتر از ۰/۰۵ و فرضیه قبول می‌شود و بین جهانی شدن و مولفه‌های آن امپراطوری شدن رسانه‌ها و شیوه زندگی مدرن با تعارض هویتی زنان رابطه وجود دارد و طبق نتایج رگرسیون خطی جهانی شدن به میزان ۴۲٪ و امپراطوری رسانه‌ها به میزان ۲۸٪ و شیوه زندگی مدرن به میزان ۴۳٪ در تعارض هویتی زنان تاثیر دارند.

فرضیه ۲: مدرنیته با تعارض هویتی زنان شهرستان نقده رابطه معنادار دارد.

بر اساس اطلاعات جدول (۱۰) و ضریب همبستگی پیرسون؛ سطح معنی داری آزمون در همه متغیرها زیر ۰/۰۵ و فرضیه قبول می‌شود و بین مدرنیته و مولفه‌های آن منابع فرهنگی، عناصر هویتی مدرن، جامعه‌پذیری مدرن، ساختار ارتباط گروهی با تعارض هویتی زنان رابطه وجود دارد و طبق نتایج رگرسیون خطی مدرنیته به میزان ۲۷٪ و منابع فرهنگی به میزان ۳۲٪ و عناصر هویتی مدرن به میزان ۳٪ و جامعه‌پذیری مدرن به میزان ۱۴٪ و ساختار ارتباط گروهی به میزان ۱۸٪ در تعارض هویتی زنان تاثیر دارند.

جدول (۱۰) جدول همبستگی و رگرسیون خطی مدرنیته با تعارض هویتی زنان

متغیرها	R	R ²	P
مدرنیته و تعارض هویتی زنان	۰/۵۱	۰/۲۷	۰/۰۰۰
منابع فرهنگی و تعارض هویتی زنان	۰/۵۶	۰/۳۲	۰/۰۰۰
عناصر هویتی مدرن و تعارض هویتی زنان	۰/۱۸	۰/۰۳	۰/۰۰۱
جامعه‌پذیری مدرن و تعارض هویتی زنان	۰/۳۷	۰/۱۴	۰/۰۰۰
ساختار ارتباط گروهی و تعارض هویتی زنان	۰/۴۲	۰/۱۸	۰/۰۰۰

به منظور تبیین تعارض هویتی زنان از روی مجموع عوامل مؤثر (شاخص‌های جهانی شدن و شاخص‌های مدرنیته)، از رگرسیون چندگانه به روش اینتر^۱ استفاده شد که در نهایت طبق اطلاعات جدول شماره (۱۱) ملاحظه می‌شود که در مجموع ضریب همبستگی چندگانه این عوامل، برابر $R = ۰/۷۰$ و ضریب تعیین برابر $R^2 = ۰/۴۹$ و ضریب تعیین خالص برابر $۰/۴۹ = \bar{R}^2$ بدست آمده است، یعنی در مجموع عوامل مؤثر (شاخص‌های جهانی شدن و شاخص‌های مدرنیته) به میزان ۴۹ درصد تعارض هویتی زنان را تبیین می‌کنند و ۵۱ درصد از واریانس تعارض هویتی زنان توسط متغیرهایی خارج از موضوع این پژوهش قابل تبیین می‌باشد.

جدول شماره (۱۱) ضریب همبستگی چندگانه برای پیش بینی تعارض هویتی زنان

شکل	ضریب همبستگی چندگانه	ضریب تبیین	ضریب تبیین خالص	اشتباه معیار برآورد
۱	۰/۷۰۷	۰/۴۹	۰/۴۹	۱۳/۲۶

در مجموع طبق اطلاعات جدول شماره (۱۲) و با توجه به ضرایب بتای استاندارد نشده ملاحظه می‌شود که مقدار ثابت (α) برابر $۸۲/۰۲$ ، امپراطوری رسانه‌ها با بتای $\beta = ۰/۱۷$ ، شیوه زندگی مدرن با بتای $\beta = ۰/۸۴$ ، منابع فرهنگی با بتای $\beta = ۰/۵۱$ ، جامعه‌پذیری مدرن با بتای $\beta = ۰/۷$ ، عناصر هویتی مدرن با بتای $\beta = -۰/۶۱$ و ساختار ارتباط گروهی با بتای $۰/۶۳$ $\beta =$ می‌باشند که در تبیین تعارض هویتی زنان سهم معنی‌داری دارند.

در نهایت با حذف مقدار ثابت آلفا (α) از طریق استاندارد کردن مقادیر متغیر تبیین کننده، ملاحظه می‌شود که امپراطوری رسانه‌ها با بتای $\beta = ۰/۰۸۸$ ، شیوه زندگی مدرن با بتای

¹ - Enter



$\beta = 0/449$ ، منابع فرهنگی با بتای $\beta = 0/115$ ، جامعه‌پذیری مدرن با بتای $\beta = 0/190$ ، عناصر هویتی مدرن با بتای $\beta = -0/078$ و ساختار ارتباط گروهی با بتای $\beta = 0/090$ می‌باشند که نقش مهمی در پیش‌بینی تبیین تعارض هویتی زنان دارند.

جدول شماره (۱۲) ضرایب متغیرهای رگرسیونی به روش اینتر

Sig.	t	ضرایب استاندارد شده		ضرایب خام		متغیرهای مستقل
		Beta	Std.Error	B		
0/000	17/56			82/02	4/67	مقدار ثابت
0/1	1/64	0/088	0/1	0/17	0/1	امپراطوری رسانه‌ها
0/000	7/62	0/449	0/11	0/84	0/11	شیوه زندگی مدرن
0/051	1/96	0/115	0/26	0/51	0/26	منابع فرهنگی
0/001	3/46	0/190	0/2	0/7	0/2	جامعه‌پذیری مدرن
0/13	-1/51	-0/078	0/4	-0/61	0/4	عناصر هویتی مدرن
0/07	1/8	0/090	0/35	0/63	0/35	ساختار ارتباط گروهی

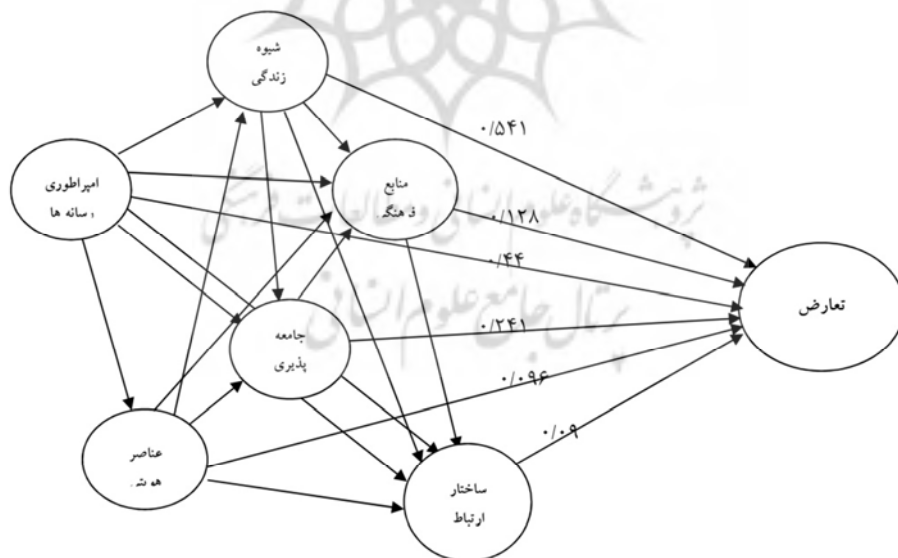
در ادامه و جهت ترسیم تحلیل مسیر و تعیین اثر ضرایب مستقیم و غیر مستقیم هر یک از مولفه‌های شش‌گانه (مولفه‌های ۴ گانه مدرنیته و مولفه‌های دوگانه جهانی شدن) و همچنین ارائه مدل؛ ابتدا از رگرسیون چندگانه برای مسیرهای مستقیم و غیر مستقیم به تفکیک برای هر شش مولفه مورد محاسبه و سنجش قرار گرفت که یافته‌های حاصل در جدول (۱۳) و همچنین شکل (۱) نشان می‌دهد؛ امپراطوری رسانه‌ها مستقیم با وزن بتای $0/088$ و غیرمستقیم از طریق متغیرهای مستقل عناصر هویتی مدرن، شیوه زندگی مدرن، جامعه‌پذیری مدرن، منابع فرهنگی و ساختار ارتباط گروهی با وزن بتای $0/352$ و در مجموع با وزن بتای $0/44$ بر تعارض هویتی زنان تاثیر گذاشته است. عناصر هویتی مدرن مستقیم با وزن بتای $-0/078$ و غیرمستقیم از طریق متغیرهای مستقل شیوه زندگی مدرن، جامعه‌پذیری مدرن، منابع فرهنگی و ساختار ارتباط گروهی با وزن بتای $0/174$ و در مجموع با وزن بتای $0/096$ بر تعارض هویتی زنان تاثیر گذاشته است. شیوه زندگی مدرن مستقیم با وزن بتای $0/449$ و غیرمستقیم از طریق متغیرهای مستقل جامعه‌پذیری مدرن، منابع فرهنگی و ساختار ارتباط گروهی با وزن بتای $0/092$ و در مجموع با وزن بتای $0/541$ بر تعارض هویتی زنان تاثیر گذاشته است. جامعه‌پذیری مدرن مستقیم با وزن بتای $0/119$ و غیرمستقیم از طریق متغیرهای مستقل منابع فرهنگی و ساختار ارتباط گروهی با وزن بتای $0/051$ و در مجموع با وزن بتای $0/241$ بر تعارض هویتی زنان تاثیر

گذاشته است. منابع فرهنگی مستقیم با وزن بتای ۰/۱۱۵ و غیرمستقیم از طریق متغیر مستقل ساختار ارتباط گروهی با وزن بتای ۰/۰۱۳ و در مجموع با وزن بتای ۰/۱۲۸ بر تعارض هویتی زنان تاثیر گذاشته است. ساختار ارتباط گروهی مستقیم با وزن بتای ۰/۰۹ بر تعارض هویتی زنان تاثیر گذاشته است.

جدول شماره (۱۳) تأثیر متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته از طریق تحلیل مسیر

متغیرها	اثر مستقیم	اثر غیرمستقیم	کل
امپراطوری رسانه‌ها	۰/۰۸۸	۰/۳۵۲	۰/۴۴
عناصر هویتی مدرن	-۰/۰۷۸	۰/۱۷۴	۰/۰۹۶
شیوه زندگی مدرن	۰/۴۴۹	۰/۰۹۲	۰/۵۴۱
جامعه‌پذیری مدرن	۰/۱۹	۰/۰۵۱	۰/۲۴۱
منابع فرهنگی	۰/۱۱۵	۰/۰۱۳	۰/۱۲۸
ساختار ارتباط گروهی	۰/۰۹	-	۰/۰۹

در نتیجه؛ مجموع اثر مستقیم و غیر مستقیم مولفه شیوه زندگی مدرن با بتای $\beta = ۰/۵۴۱$ تاثیرگذارترین مولفه و پس از آن مولفه امپراطوری رسانه‌ها با بتای $\beta = ۰/۴۴$ تاثیرگذارتر و پس از آن مولفه جامعه‌پذیری مدرن با بتای $\beta = ۰/۲۴۱$ و پس از آن مولفه منابع فرهنگی با بتای $\beta = ۰/۱۲۸$ می‌باشد. دو مولفه عناصر هویتی مدرن با بتای $\beta = ۰/۰۹۶$ و ساختار ارتباط گروهی بتای $\beta = ۰/۰۹$ کم اثرترین مولفه در تبیین تعارض هویتی زنان بودند.



شکل (۱): اثر مستقیم و غیر مستقیم مولفه‌های ششگانه مدرنیته و جهانی شدن در تبیین تعارض هویتی زنان



بحث و نتیجه‌گیری:

تحقیق حاضر با هدف تبیین جامعه‌شناختی تعارض هویتی زنان شهر نقده در سال ۱۳۹۵ و عوامل مرتبط با آن انجام پذیرفت. نتایج حاصل رگرسیون خطی نشان داد که هر یک از شاخصهای جهانی شدن و مدرنیته با مقادیر مختلفی در تبیین تعارض هویتی زنان تاثیر دارند که نتایج حاصل از رگرسیون چندگانه و تحلیل مسیر نیز نشان داد که در مجموع شاخصهای ششگانه مدرنیته و جهانی شدن به میزان ۴۹ درصد تعارض هویتی زنان شهر نقده را تبیین می‌کنند که بیشترین سهم را شیوه زندگی مدرن با بتای $\beta = 0/541$ و امپراطوری رسانه‌ها با بتای $\beta = 0/44 =$ و پس از آن جامعه‌پذیری مدرن با بتای $\beta = 0/241$ و پس از آن مولفه منابع فرهنگی با بتای $\beta = 0/128$ می‌باشد. دو مولفه عناصر هویتی مدرن با بتای $\beta = 0/096$ و ساختار ارتباط گروهی با بتای $\beta = 0/09$ کم‌اثرترین شاخصها در تبیین تعارض هویتی زنان بودند. نتایج تحقیقات آندری لابس (۲۰۱۴) نشان می‌دهد که تحولات کنونی جوامع با افزایش ارتباطات تعیین‌گردیده و تأکید بیشتر بر هویت دارند. سرویدیو (۲۰۱۴) به این نتیجه رسید که اعتماد به اینترنت باعث اخلاق در رفتار افراد شده است. نتایج پژوهش چن (۲۰۱۲) نشان دهنده آن بود که با توسعه رسانه‌ها و شیوه‌های ارتباطی نوین فرهنگ ملی/قومی مردم در حال تغییر می‌باشد؛ هویت‌های فرهنگی و اجتماعی افراد به طور چشمگیری متحول شده و روابط، سازگاری و مداخلات درون فرهنگی نیز دستخوش تغییر گردیده‌اند. نتایج مطالعه عرب ناز، خان، حسین و داراز (۲۰۱۱) بیانگر آن بود که جهانی شدن تأثیر بسزایی بر هویت اجتماعی افراد مورد مطالعه داشته است. به طوریکه سبک زندگی ایشان را به کلی تغییر داده است؛ موجب از بین رفتن انسجام اجتماعی و نیز ایجاد پیچیدگی‌های فراوان در زمینه روابط اجتماعی ایشان گردیده است. نتایج تحقیق ربیعی (۱۳۸۷) نشان داد که رسانه‌های نوین، عامل تغییرات در نهادهای هویت ساز شده‌اند و فضای مجازی عوامل معناساز هویتی را دستخوش تغییر نموده است و جامعه ایران بحران‌های هویتی دوره پسا صنعتی و فضای مجازی را به تجربه می‌کند. با توجه به نظریه‌ها و تحقیقات آمده زنان در یک وضعیت گذرا از هویت سنتی به هویت مدرن بسر می‌برند. به گونه ای که زنان امروز دیگر نقش‌های کلیشه‌ای و تحمیلی خانواده خویش را به راحتی نمی‌پذیرند. در واقع نقش‌های جنسیتی سنتی مشروعیت خویش را در ذهن زنان امروز از دست داده‌اند. دگرگونی‌های جهانی شدن همچنانکه در متن جامعه هم ملاحظه می‌شود در نقش زنان در نهاد

خانواده و نهادهای شغلی تغییراتی قابل توجه ایجاد کرده است و بر اثر پیدایش ارزش‌ها و نگرش‌های جدید و آگاهی یافتن زنان نسبت به جایگاه واقعی‌شان، مقاومت‌هایی از جانب آنها چه در عرصه خانواده و چه در عرصه‌های اجتماعی شکل گرفته و در برخی موارد به تعارض‌هایی منجر شده است. در برخی مواقع نتیجه این مقاومت‌ها به سردرگمی و تعارض‌های هویتی در بین زنان بیش از پیش دامن زده است. همچنانکه گیدنز می‌گوید: انسان‌ها ممکن است در اثر جهانی شدن دچار پدیده چندهویتی شوند. جامعه ایرانی و بالخصوص زنان که در گذر سنت به مدرنیته و جهانی شدن است. از وظایف ایشان به عنوان زن خانه داشتن روحیه بالا و مسئولیت‌پذیری را می‌طلبد و از سوی دیگر مسئولیت‌های شغلی هم حیطه زمانی خاصی را اشغال کرده است. زنان به دنبال آن هستند که بهترین شیوه‌ها را برای مدیریت این دو فضا به کار گیرند، اما پیامدهای پذیرش این تلفیق نوعی تراکم نقش، آشفتگی و تعارض‌های حاصل از آن است که کمتر کسی وجود دارد که از چالش‌های برخاسته از این تلفیق مصون بماند. چرا که تجربه زنان شاغل تجربه‌ای ویژه و متفاوت با زنان خانه‌دار است و جمع کردن دو نمود از زندگی زنان شاغل را با تعارض‌هایی مواجه می‌کند که در ابعاد روحی و زندگی خانوادگی و اجتماعی آنها نمایان می‌شود. اگر چه به لحاظ ذهنی و روحی، توانایی در تلفیق نقش‌های شغلی، والدینی و همسری به ارزیابی مثبت از خود منتهی می‌شود، اما فشار نقش‌ها و تداخل و تعارضی که دو حوزه نقشی اشتغال با مسئولیت‌های خانوادگی دارد بر سلامت روانی زنان شاغل تاثیرات بسیاری خواهد داشت. شیوه زندگی مدرن، زندگی زنان شاغل را دستخوش تغییراتی کرده است و این تغییرات باعث تعارض‌های هویتی شده است. در چنین شرایطی تلاش بیشتر زنان شاغل بدان معطوف است که موفق‌ترین و کم‌رنج‌ترین سبک زندگی را بیورانند که به بهترین نحو میان خود ایشان به عنوان زن خانواده و زن موفق جامعه ارتباط برقرار کند. در نهایت می‌توان گفت که کاستن از دغدغه‌های هویتی در سبک زندگی زنان شاغل بدون شک نه تنها با تلاش‌های فردی ایشان که با تغییر در وجوه ساختاری و بنیان‌های معرفتی جامعه ممکن خواهد شد. از سویی دیگر؛ مقوله‌ی هویت زن از جایگاه خاصی برخوردار است. پرداختن به موضوع هویت زنان و نقش آنان در تمدن‌سازی، در ایجاد جامعه‌ای با هویت ایرانی و نقش آنان به عنوان مادران تمدن‌ساز آینده می‌باشد. تمدن و مدرنیته ارتباط مستقیمی با فرهنگی سالم و زنده دارد. برای رسیدن به تمدن صحیح ایرانی، شناخت هویت زنان بسیار مهم تلقی می‌شود. تکاپوی زن ایرانی برای بدست



آوردن هویتی مستقل، قابل انکار نیست. مسأله‌ای که زن ایرانی با آن روبروست این است که پیش از آن که به درآمد، ازدواج و اشتغال مربوط باشد به هویت وی مربوط می‌شود. هویتی که به دلیل آموزش‌های به دور از واقعیت‌های اجتماعی و حتی متناقض با آنها دوطرفه شده است و این باعث شده که اکثر آنان از تصویری که از خود دارند و نیز جامعه از آنان دارد راضی نیستند و به تبع آن خواهان موقعیت جدید در جامعه هستند و همچون دیگر نسل‌های قبل، خانه‌دار و فرزندزایی نهایت آرزو و کمال یک زن ایرانی محسوب نمی‌شود. بنابراین با توجه به شرایط جامعه ایران و گذر از سنت به مدرنیته تعارض‌های هویتی را به ویژه برای زنان در برداشته است. براساس شاخص‌های مدرنیته دیگر زنان برای آنچه فرهنگ و یا سرنوشت محتوم به آنها دیکته می‌کند زندگی نمی‌کنند و هویت‌شان را بیشتر به واسطه نقش‌های اجتماعی که ایفا می‌کنند می‌سازند. زنان شاغل که شیوه زندگی مدرن و جامعه‌پذیری و هم‌داری منابع فرهنگی و هم‌داری ساختار ارتباط گروهی هستند بیشتر در مقابل هویت‌های سنتی و مدرن تامل کرده و به باز تعریف هویت اجتماعی خود مبادرت می‌کنند و تا حدی می‌توانند بر تعارض هویتی خود فائق آیند.

پیشنهادها و ارائه راهکار:

۱- با توجه به اینکه انتخاب شیوه‌های زندگی و استفاده از رسانه‌ها قابل آموزش و انتقال هستند و محیط‌های آموزشی نقش موثری در شکل دادن به آنها دارد. بنابراین در محیط‌های آموزشی می‌توان به آموزش و تقویت آنها پرداخت این امر در مورد زنانی که با تعارض هویتی روبرو هستند، می‌تواند از طریق افزودن برنامه‌های آموزشی یا از طریق برگزاری کارگاه‌های آموزشی به صورت رایگان در مراکز فرهنگی و شوراهای محله تحقق یابد.

با توجه به اینکه تعارض هویت جمعیت نمونه تحقیق تحت تأثیر تعارض نقش‌های شغلی و خانوادگی زنان است؛ همچنین با توجه به اینکه جامعه در حال گذار است و زنان با افزایش سطح تحصیلات و آگاهی خود و به دنبال آن کسب شغل و نقش اجتماعی در بیرون از خانه از هویت‌های صرفاً مادری و همسری به سمت هویت‌های جدید در حرکت اند و با در نظر داشتن این نکته که بخشی از هویت فرد، به تصور و انتظارات دیگران بر می‌گردد و باید دیگران نیز هویت او را بپذیرند و تأیید کنند و پیشنهاد می‌شود تا با فرهنگ‌سازی از طریق رسانه‌ها، ارتباطات جمعی و ارائه برنامه‌های آموزشی بیشتر در سطح مدارس، همچنین با تغییر در فرایند اجتماعی شدن دختران در خانواده‌ها، در تغییر باورها و ارزش‌های جامعه قدم برداشته شود. به

این ترتیب با توجهی بیشتر به مسائل زنان، هویت جدید زنان را معرفی کرده و سرعت پذیرش این هویت جدید را در میان باورها و عقاید سنتی افزایش دهیم.

منابع فارسی

۱. آزاد ارمکی، تقی و حسن، چاوشیان. (۱۳۸۱). بدن به مثابه رسانه هویت. مجله جامعه شناسی ایران، دوره چهارم، شماره ۴.
۲. آزاد ارمکی، تقی و بهار، مهری (۱۳۷۷). بررسی مسائل اجتماعی. تهران: طرح نو.
۳. اباذری، یوسف و حسن، چاوشیان. (۱۳۸۴). از طبقه اجتماعی تا سبک زندگی: رویکردهای نوین در تحلیل جامعه شناختی هویت اجتماعی. فصلنامه علوم اجتماعی، شماره ۲۰. صص: ۲۷-۳.
۴. آبوت، پاملا و والاس کلر. (۱۳۸۲). جامعه شناسی زنان. مترجم: منیژه نجم عراقی، تهران: نشر نی.
۵. ادیبی سده، مهدی و سید هادی، جلالی آکردی. (۱۳۹۲). مدیریت بدن و هویت اجتماعی (مورد مطالعه: جوانان دختر و پسر شهر ساری). فصلنامه مطالعات جامعه شناختی جوانان، سال سوم، شماره نهم، بهار ۱۳۹۲. صص: ۲۲-۹.
۶. اسلوین، جیمز. (۱۳۸۰). اینترنت و جامعه. ترجمه: عباس گیلوری و علی رادباوه. تهران: کتابدار.
۷. اسمارت، بری. (۱۳۸۳). شرایط مدرن، مناقشه‌های پست مدرن. ترجمه: حسن چاوشیان، نشر اختران. تهران: چاپ اول.
۸. اولسون، دیوید. (۱۳۷۷). رسانه‌ها و نمادها، صورت‌های بیان، ارتباط و آموزش. ترجمه: محبوبه مهاجر، تهران: سروش.
۹. پاستر، مارک. (۱۳۷۷). عصر دوم رسانه ها. ترجمه: غلام حسین صالحیار، تهران: مؤسسه موسسه ایران.
۱۰. پیشگامی فرد، زهرا، انصاری زاده، سلمان. کرمی، افشین و فریاد، پرهیز. (۱۳۸۹). پرهیز تعامل در فضای سایبر و تاثیر آن بر هویت زنان در ایران. فصلنامه زن در توسعه پژوهش زنان، دوره ۸، شماره ۲، تابستان ۱۳۸۹. صص: ۲۰۹-۱۸۹.
۱۱. تاجیک اسماعیلی، عزیز اله و محمد جواد، محراب بیگی. (۱۳۹۳). تأثیر اینترنت بر هویت ملی در ایران. مطالعات رسانه ای، سال ۹، شماره ۲۶، پاییز ۱۳۹۳. صص: ۵۲-۴۱.
۱۲. تامپسون، جان ب. (۱۳۸۰). رسانه‌ها و مدرنیته. ترجمه مسعود اوحدی، تهران: سروش.
۱۳. تبریزی، منصوره و طاهره، هوشنگی. (۱۳۹۲). تجربه تعارض‌های هویتی در سبک زندگی زنان متأهل. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، پرتال علوم انسانی.
۱۴. جهان تیغ، سکینه (۱۳۹۰). دانش‌های دنیای مشاوره. کارشناس ارشد مشاوره. سایت مشاوره.



۱۵. خالقی، مینو. (۱۳۹۲). نقش و تأثیر رسانه‌های جمعی بر وقوع قتل‌های شرافتی. رسانه و فرهنگ، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال سوم، شماره دوم، پائیز و زمستان ۱۳۹۲. صص: ۵۳-۲۷.
۱۶. دورکیم، امیل. (۱۳۸۱). درباره تقسیم کار اجتماعی، ترجمه باقر پرهام، ویرایش دوم، تهران: نشر مرکز.
۱۷. ذکایی، محمدسعید. (۱۳۸۳). جوانان و فراغت مجازیو فصلنامه مطالعات جوانان، شماره ۶. ص: ۱۸.
۱۸. ذوالفقاری، ابوالفضل و لاوین، سلطانی. (۱۳۹۰). بررسی رابطه سبک زندگی با هویت قومی جوانان، مجله جامعه‌شناسی ایران، سال ۱۱، شماره ۲. صص: ۲۴-۵۰.
۱۹. رابرتسون، رونالد. (۱۳۸۲). جهانی شدن، ترجمه: پولادی. تهران: نشر ثالث.
۲۰. ربیعی، علی. (۱۳۸۷). رسانه‌های نوین و بحران هویت، فصلنامه مطالعات ملی، سال ۹، شماره ۴. صص: ۱۴۹-۱۷۶.
۲۱. ساروخانی، باقر و مریم، رفعت‌جاه. (۱۳۸۳). عوامل جامعه‌شناختی مؤثر در باز تعریف هویت اجتماعی زنان، پژوهش زنان، دوره ۲، شماره ۱، بهار ۱۳۸۳. صص: ۷۱-۹۱.
۲۲. صلاحی، محمود، تیمورپور، بهزاد، ناصری پور، حسن و مهدی، فاضل فکور. (۱۳۸۴). طرح تحقیقاتی شهر اسوه (گامی به سوی مدینه سعادت)، تهران: مهر محبوب.
۲۳. عباسی قادری، مجتبی و مرتضی، خلیلی کاشانی. (۱۳۹۰). تأثیر اینترنت بر هویت ملی، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۲۴. عبدالحسینی، اشرف و منصور، حقیقتیان. (۱۳۹۴). بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر هویت اجتماعی مطالعه موردی: جوانان ۱۵ تا ۲۹ ساله شهر اصفهان، فصلنامه مطالعات جامعه‌شناختی جوانان، سال ششم، شماره ۱۸، تابستان ۱۳۹۴. صص: ۳۳-۵۲.
۲۵. عبداللهی، محمد. (۱۳۷۵). جامعه‌شناسی بحران هویت، نامه پژوهش، سال دوم، پائیز و زمستان ۱۳۷۵.
۲۶. کاستلز، مانوئل. (۱۳۸۰). عصر اطلاعات: قدرت هویت. ترجمه: حسن چاوشیان. جلد دوم، تهران: طرح نو.
۲۷. کاستلز، مانوئل. (۱۳۸۰). عصر اطلاعات (جلد اول، جامعه شبکه ای). ترجمه: احد علیقیان و افضین خاکباز، تهران: طرح نو.
۲۸. کاستلز، مانوئل. (۱۳۸۰). عصر اطلاعات، جلد ۱ و ۲. ترجمه: احمد علیقیان، تهران: طرح نو.
۲۹. کاستلز، مانوئل. (۱۳۸۰). قدرت هویت. ترجمه: حسین چاوشیان، تهران: طرح نو.
۳۰. کنیکی، آنجلو. (۱۳۸۴). مدیریت رفتار سازمانی (مفاهیم و مهارتها و کاربردها)، ترجمه: علی اکبر فرهنگی و حسین صفرزاده، نشر پویا.
۳۱. گیدنز، آنتونی. (۱۳۸۸). تجدد و تشخیص، ترجمه: ناصر موفقیان، تهران: نی.
۳۲. گیدنز، آنتونی. (۱۳۸۸). تجدد و تشخیص: جامعه و هویت شخصی در عصر جدید، ترجمه: ناصر موفقیان، چاپ ششم. تهران: نشر نی.

۳۳. گیدنز، آنتونی. (۱۳۸۷). فراسوی چپ و راست.، ترجمه: محسن ثلاثی، نشر ثالث.
۳۴. گیدنز، آنتونی. (۱۳۸۴). چشم اندازهای جهانی.، ترجمه: محمدرضا جلالی پور، انتشارات طرح نو، چاپ اول.
۳۵. گیدنز، آنتونی. (۱۳۷۸). چشم اندازهای جهانی.، ترجمه: محمدرضا جلالی پور، تهران: طرح نو.
۳۶. گیدنز، آنتونی. (۱۳۷۸). تجدد و تشخص (جامعه و هویت شخصی در عصر جدید).، ترجمه: ناصر موفقیان، تهران: نشر نی.
۳۷. گیدنز، آنتونی. (۱۳۷۷). جامعه شناسی.، ترجمه: منوچهر صبوری.، تهران: نشر نی.
۳۸. مجتهدزاده، پیروز. (۱۳۸۱). جغرافیا و سیاست در فرایند نوین.، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی تهران، دوره ۱۳، شماره ۸. صص: ۱۴۷-۶۱.
۳۹. مرادی، سجاد. (۱۳۸۷). تحلیل جامعه شنناختی الگوهای مصرف.، پایان نامه کارشناسی ارشد، به راهنمایی محمد عبداللهی، دانشگاه علامه طباطبائی.
۴۰. مک کوایل، دنیس. (۱۳۸۲). درآمدی بر نظریه ارتباطات جمعی.، ترجمه: پرویز اجلائی، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۴۱. مهدی زاده، سید محمد. (۱۳۹۰). نظریه‌های انتقادی رسانه.، تهران: انتشارات همشهری.
۴۲. مهدی زاده، سید محمد. (۱۳۸۹). نظریه‌های رسانه: اندیشه‌های رایج و دیدگاه‌های انتقادی.، تهران: همشهری.
۴۳. میرآشه، سمیه. (۱۳۹۲). تعارض‌های هویتی اجتماعی سنتی و مدن و عوامل موثر بر آن برآن (مطالعه موردی زنان ۲۴ تا ۳۴ ساله شهر قزوین).، پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه الزهرا.
۴۴. نوابخش، مهرداد. (۱۳۸۹). بررسی آثار اینترنت و موبایل در تغییر هویت جوانان ۲۹-۱۵ ساله استان مازندران.، مجله تخصصی جامعه شناسی، سال ۱، پیش شماره اول. صص: ۱۷۰-۱۴۵.
۴۵. نیازی، محسن و الهام، شفائی مقدم. (۱۳۹۱). بررسی تأثیر رسانه‌های جمعی در گرایش به هویت ملی.، مطالعات میان رشته‌ای در رسانه و فرهنگ، سال دوم، شماره اول. صص: ۱۲۷-۹۹.
۴۶. نیازی، محسن. (۱۳۹۰). نقش ماهواره و برنامه‌های ماهواره‌ای در فرسایش هویت فردی، اجتماعی، ملی و دینی شهروندان شهر کاشان در سال ۱۳۸۹.، فصلنامه مطالعات فرهنگی و ارتباطات، سال ۷، شماره ۲۲. صص: ۲۱۰-۱۸۲.
۴۷. نیکخواه قمصری، نرگس و فاطمه، منصوریان راوندی. (۱۳۹۳). تأملی بر فضای مجازی و هویت جنسی: مطالعه موردی کاربران اینترنت در شهر کاشان.، مطالعات رسانه ای، سال نهم، شماره ۲۷، زمستان ۱۳۹۳. صص: ۱۲۰-۱۰۷.



منابع انگلیسی

48. AbdolHosseini, A. & Haghghatian, M. (2015). The study of effective social factors on psychological identity (A case study: 15-29 aged youth in Esfehan city). The Journal of Youth Sociological Studies, year 6, No. 18, Summer 2015. Pp: 33-52. (Text in Persian).
49. Adibi Sadeh, S. M & Jalali Akerdi, S. H. (2013). Body management and social identity (A case study: female and male adults of Saari). Journal of Youth sociological studies, Third year, No. 9, Spring 2013. Pp: 9-22. (Text in Persian).
50. Andrei Labes, S. (2014). Globalization and Cultural identity dilemmas. CES Working Papers – Volume VI, Issue 1. (Text in Persian).
51. Arab Naz, Khan, W., Hussain, M. & U. Daraz. (2011). The crises of identity: Globalization and its impacts on socio- cultural and psychological identity among Pakhtuns of KHYBER Pakhtunkhwa Pakistan. International Journal of Academic Research in Business and Social Sciences, April 2011, Vol. 1, No. 1.
52. Aycan, Z.,(2005). Relative contribution of child care spousal and organization support in reducing work-family conflict for men and women, Journal of research, 57. pp: 31-42.
53. Azad Armaki, T. & Chavoshian, H. (2002). Body, as identity conductive media. Iranian Journal of psychology, Vol. 4, No. 4. (Text in Persian).
54. Bovone, L. (2012). Identities through fashion: A multidisciplinary approach. Gonzalez A – Berg publishers, Oxford, GBR, United Kingdom.
55. Burk ,P. (1997). An Identity Model For Network Exchange. American Impression Sociological Review, Vol. 62,(-): 134_150).
56. Castells, M. (2001). The information era: Identity power (Vol.2). Translated by: Chavoshian, H., Tarh No publishing, Tehran. Iran. (Text in Persian).
57. Castells, M. (2001). The information era: Network Society (Vol. 1). Translated by: Aligholizadeh, A. & Khakbaz, A., Tarh No publishing, Tehran. Iran. (Text in Persian).
58. Castells, M. (2001). The information era: Network Society (Vol. 1 & 2). Translated by: Aligholizadeh, A., Tarh No publishing, Tehran. Iran. (Text in Persian).
59. Castells, M. (2001). Identity Power. Translated by: Chavoshian, H., Tarh No publishing, Tehran. Iran. (Text in Persian).
60. Chen, G. M. (2012). The impact of new media on intercultural communication in global context. Communication studies faculty publications, The university of Rhode Island.
61. Durkheim, E. (2002). Social work Dividing, Second edition. Translated by Parham, B., Markaz Publishing, Tehran., Iran. (Text in Persian).
62. Giddens, A. (2009). Modernity and Identity. Translated by Movafaghiyan, N., Ney Publishing, Tehran. (Text in Persian).
63. Giddens, A. (2009). Modernity and individuality; A society and personal identity in a new era. Translated by Movafaghiyan, N., 6th edition, Ney Publishing, Tehran. (Text in Persian).
64. Giddens, A. (2009). Beyond the left and right. Translated by Salasi, M., Saales Publishing. (Text in Persian).
65. Giddens, A. (2008). Global Perspectives. Translated by Jalali Pour, M. R., 1th edition, Tarh No Publishing, Tehran, Iran. (Text in Persian).
66. Giddens, A. (1999). Global Perspectives. Translated by Jalali Pour, M. R., 1th edition, Tarh No Publishing, Tehran, Iran. (Text in Persian).
67. Giddens, A. (1999). Modernity and individuality (Society and individual identity in new era). Translated by Movafaghiyan, N., Ney Publishing, Tehran, Iran. (Text in Persian).

68. Giddens, A. (1998). *Sociology*. Translated by Sabouri, M., Ney Publishing, Tehran, Iran.
69. Hall, S. (1996). Introduction: Who needs identity? In S. Hall & P. du Gay (Eds.), *Questions of cultural identity* (pp. 1-17). London: Sage.
70. Jahan Tigh, S. (2011). *Consulting worlds knowledge*, M.A. of consulting, consulting website. (Text in Persian).
71. Jenkins, R.. (1996). *Social Identity*. London: Roulledge, P: 15.
72. Kiniki, A. (2005). *Organizational behavior management (Concepts, Skills and applications)*. Translated by Farhangi, A. A. & SafarZadeh, H. Pouya Publishing. (Text in Persian).
73. MojtabehZadeh, P. (2002). Geography and politics in recent process., *The Journal of Law and Political Science faculty of Tehran*, Vol. 13, No. 8. Pp: 61-147. (Text in Persian).
74. NavaBakhsh, M. (2010). Investigation the internet and mobile effects in 15-29 aged youth's identity changes in Mazandaran province. *The Professional Journal of Sociology*, Year 1, pre- No. 1. Pp: 145-170. (Text in Persian).
75. Nikxah Ghamsari, N. & Mansourian Ravandi, F. (2014). Reflection on cyberspace and gender identity: the case study of internet users in Kashan city, Year 9, No. 27, Winter 2014. Pp: 107-120. (Text in Persian).
76. Niyazi, M. & Shafayi Moghaddam, E. (2012). The impact of mass media in tendency to international identity., *Interdisciplinary studies in media and culture*, year 2, No. 1. Pp: 99-127. (Text in Persian).
77. Olsen, D. (1998). *Media and symbols, expressions, communication and education*. Translated by Mohajer, M., Soroush publishing, Tehran, Iran. (Text in Persian).
78. PishgamiFard, Zahra., AnsariZadeh, S., Karami, A. & Parhiz, F. (2010). Avoiding the interaction of Cyber atmosphere and its effect on women identity in Iran. *The Journal of woman in female researches*, Vol. 8, No. 2, Summer 2010. Pp: 189-209. (Text in Persian).
79. Rabeie, A. (2008). Modern media and identity crisis. *The Journal of international studies*, Year 9, No. 4. Pp: 149-176. (Text in Persian).
80. Rezaeiyan, A. (2003). *Conflict management and negotiation (Advanced organization behavior management)*, the ministry of Islamic cultural and guidance. (Text in Persian).
81. Safiri, Kh. & MirAsheh, S. (2013). Traditional and modern social identity conflicts and effective factors influence on it (Female case study between 24-34 ages in Ghazvin city). *Culture and Media*, Vol. 2, No. 4. Pp: 57-79. (Text in Persian).
82. Salahi, M., Teymoorpour, B., Naseri Pour, H. & Fazel Fakoor, M. (2005). *Research Project in Osveh city (A step forward to Happiness City)*. Meh Mahboob Publishing, Tehran, Iran. (Text in Persian).
83. Sarookhani, B. & Rafaat Jah, M. (2004). Effective sociological factors in re-defining of women social identity. *Women Researches*, Vol. 2, No. 1, Spring 2004. Pp: 71-91. (Text in Persian).
84. Servidio, R. (2014). Exploring the effects of demographic factors, Internet usage and personality traits on Internet addiction in a sample of Italian university students. *Computers in Human Behavior*, Vol. 35. Pp: 85-92.
85. Smart, B. (2004). *Modern situation, postmodern controversies (First edition)*. Translated by Chavoshian, H., Akhtaran publishing, Tehran, Iran. (Text in Persian).
86. Tajik Esmaeili, A. & Mehrab Beigi, M. J. (2014). The effect of internet on international identity in Iran. *Media Studies*, Year. 9, No. 26, Autumn 2014. Pp: 41-52. (Text in Persian).
87. Thompson, J. B. (2001). *Media & Modernity*. Translated by Ohady, M., Soroush publishing, Tehran. (Text in Persian).



88. Tabrizi, M. & Hooshangi, T. (2013). Experiencing the identity conflicts in married women life style, Humanity science research institute and cultural studies, Humanities Portal(Text in Persian)..
89. West, D. & Heath, D. (2011). Theoretical pathways to future: Globalization ,ICT and social work theory and practice. Journal of social of social work, 11(2),209- 221.
90. Zokaei, M. S. (2004). Youth and leisure. Journal of Youth Studies, No. 6. P: 18. (Text in Persian).
91. Zolfaghari, A. & Soltani, L. (2011). Investigation the relationship between youth life style and ethnic identity. Iranian Journal of Sociology, Year 11, No. 2. Pp: 24-50. (Text in Persian).





Sociological explanation of effective factors influence on women's identity conflict of Naghadeh city

Mina Maroufpoor ¹ Khadijeh Safiri ²

Abstract:

The present study was done for sociological explanation of factors influential on women's identity conflict of Naghadeh city in 2017. The method of this study is survey correlation analysis and the population was 18-45 aged married and employed women of Naghadeh city in 2017 which were 3062 women of which 341 were chosen and studied through Cookerian formula in a random stratified way. The authors' self-made questionnaire was used as the study's measurement tool. The obtained results of Pearson correlation and liner regression tests revealed that modernity and its indicators: modern socialization - modern identity elements - cultural resources and group behavior structure; also, globalization and its indexes: The Media Empire and modern living style were related to women's identity conflict. The results of multiple regression and path analysis showed that all the effective factors can predict 49% of women's identity conflict in which modern living style with $\beta = 0/541$ has the main role, media empire with $\beta = 0/44$ and then modern socialization with $\beta = 0/241$, cultural resources with $\beta = 0/128$, two modern identity elements with $\beta = 0/096$ and group behavior structure with $\beta = 0/09$ were the less effective indexes in explaining women's identity conflict.

Keywords: Modernity- Socialization- Individual Identity Conflict- Collective Identity Conflict- Women.

¹ Islamic Azad University, Tehran, Iran

² University of Azahra

Submit Date: 2017/4/17

Accept Date: 2018/2/12